

رفتار مجرمانه جعل و تزویر

دکتر عباس منصورآبادی

استادیار پردیس قم دانشگاه تهران

دکتر محمد جواد فتحی

استادیار پردیس قم دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله، ۸۷/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی، ۸۸/۸/۱۳

چکیده

جعل و تزویر، به اعتبار رفتار مجرمانه، به جعل و تزویر مادی و معنوی (مفادی) تقسیم می‌شود. به همین اعتبار، جعل و تزویر مادی به دو قسم دیگر قابل تقسیم است: یکی جعل و تزویر مادی به نحو کلی و اولی، و دیگری جعل و تزویر مادی به نحو جزئی و ثانوی. در هریک از دو صورت جعل و تزویر مادی، رفتار مجرمانه در همه موارد، فعل و رفتار مثبت است، ولی هر یک از آنها با دیگری تفاوت دارد. در جعل و تزویر معنوی نیز، در بیشتر موارد رفتار مجرمانه، فعل و رفتار مثبت است و در پاره‌ای از موارد ممکن است ترک فعل و خودداری تنظیم‌کننده سند، از درج مطالب مورد نظر، به پیدایش سند معجول منجر شود. رفتار مجرمانه جعل و تزویر مادی به نحو کلی و اولی، ساختن و پدید آوردن یک سند به صورت تام و کامل است که هیچ یک از اجزای آن وجود نیست و مرتکب همه اجزای آن را به وجود می‌آورد. رفتار مجرمانه جعل و تزویر مادی به نحو جزئی و ثانوی، عبارت از افزودن به اجزای سند و یا کم کردن از اجزای آن است. این رفتار باید در جهت افزودن و کاستن اجزای موثر سند باشد. در هر یک از صورتهای یاد شده، رفتار ممکن است بسیط و ساده و یا مرکب و پیچیده باشد. رفتار مجرمانه جعل و تزویر معنوی (مفادی)، تغییر مضمون و محتوای سند به هنگام تنظیم آن است. ارتکاب این رفتار در جایی قابل تصور است که یک نفر عهده دار تنظیم سندی در ارتباط با دیگری باشد. در این حالت، ذی-نفع (منتسب الیه) مطلبی را اظهار و اعلام می‌دارد، ولی تنظیم‌کننده، مطلب دیگری را در سند قید می‌نماید. در همه موارد یاد شده، رفتار مرتکب باید قابلیت اضرار و زیان رساندن به دیگری را داشته باشد. ضرر و زیان - اعم از مادی و معنوی - فردی و اجتماعی است. بر خلاف حقیقت بودن را نمی‌توان شرط تحقق رفتار به شمار آورد؛ حتی اگر اقدام مرتکب منطبق با واقعیت و حقیقت باشد، باز هم ممکن است جعل و تزویر محقق شود.

واژه های کلیدی: جعل و تزویر، رکن مادی، رفتار مجرمانه، زیان بار بودن رفتار.

مقدمه

جعل و تزویر در حقوق جزای امروزی، یکی از جرایم خطرناک و از جمله جرایمی است که مجرمان یقه سفید آن را مرتکب می‌شوند. ارتکاب این جرم، گذشته از زیانهای فردی، آسایش و رفاه عمومی را در سطح گسترده‌ای خدشه دار می‌سازد. جرم مزبور، از جمله جرایمی است که همه مراجع قضایی - اعم از کیفری و غیر کیفری - روزانه به طور گسترده با آن سرو کار دارند. از این رو، بررسی اجزا و شرایط موثر در تحقق این جرم پاسخی مناسب به نیاز مراجع قضایی در این زمینه است.

رکن مادی این جرم مرکب از موضوع جرم، رفتار مجرمانه و زیان بار بودن رفتار است. بدون تردید، برای پی بردن به چگونگی وقوع این جرم و تشخیص رکن مادی آن، بررسی تفصیلی اجزا و شرایط یاد شده ضرورت دارد. در این مقاله، به بررسی رفتار مجرمانه می‌پردازیم. رفتار مجرمانه جعل و تزویر از ویژگیهایی برخوردار است که گاهی تشخیص آن را دچار مشکل می‌سازد. رفتار مجرمانه جعل و تزویر، اعم از مادی و مفادی، در تعبیری کلی، ساختن سند (سند سازی) است. ساختن، در عالم خارج به دو صورت محقق می‌شود، الف - ساختن به نحو کلی و اولی؛ ب - ساختن به نحو جزئی و ثانوی. در متون قانونی برای ساختن به نحو جزئی و ثانوی، به مصادیقی همچون خراشیدن، تراشیدن، محو کردن، اثبات کردن و غیره اشاره شده است. حقوقدانان موارد مذکور را حصری می‌دانند، ولی گفته‌های آنها در این خصوص توجیه منطقی ندارد. از سوی دیگر، در این که رفتار مجرمانه جعل و تزویر، فعل و رفتار مثبت است، تردیدی نیست؛ ولی برخی از حقوقدانان تصور کرده‌اند که تحقق آن با ترک فعل نیز امکان پذیر است. علاوه بر این، سوزاندن و پاره کردن (جدا کردن) جزئی از لاشه یک سند و یا متصل ساختن اجزای پاره شده یک سند نیز نوعی دخل و تصرف در سند به شمار می‌آید. چنین رفتاری ممکن است سندی را بی اعتبار و یا به صورت غیر واقعی، دارای اعتبار جلوه دهد. در چنین مواردی جعل و تزویر با تخریب مشتبّه می‌گردد. دیگر این که در بیشتر موارد، ساختن سند بر خلاف واقعیت است؛ ولی در مواردی ممکن است ساختن سند منطبق با واقعیت باشد. در چنین مواردی نیز، جعل و تزویر دانستن رفتار محل تردید و تامل است. از منظر دکترین، جعل و تزویر از جمله جرایم مطلق است؛ در عین حال، رفتار مرتکب باید متضمن زیانی باشد تا بتوان عمل او را مشمول این عنوان دانست.

بدین ترتیب، دو پرسش پیرامون رفتار مجرمانه جعل و تزویر قابل طرح است، ۱- رفتار مجرمانه جعل و تزویر چه نوع رفتاری است؟ ۲- برای جعل و تزویر به شمار آوردن این رفتار، چه شرایطی لازم است؟

در جهت پاسخ گویی به پرسشهای یاد شده، فرضیه های پژوهش حاضر از این قرار است، ۱- رفتار مجرمانه جعل و تزویر، فعل و رفتار مثبت است؛ ۲- رفتار مجرمانه جعل و تزویر باید متضمن ضرر و زیان و بر خلاف واقعیت باشد.

در این راستا، مطالب مورد نظر را در دو گفتار بررسی می کنیم، مصادیق رفتار مجرمانه جعل و تزویر (گفتار نخست) و شرایط رفتار مجرمانه جعل و تزویر (گفتار دوم)،

گفتار نخست: مصادیق رفتار مجرمانه جعل و تزویر

در تقسیم بندی اولی، به اعتبار رفتار مجرمانه، جعل و تزویر به دو قسم مادی و مفادی قابل تقسیم است. در هر یک از این دو قسم، کیفیت ارتکاب رفتار مجرمانه با دیگری متفاوت است. از این رو، باید رفتار مجرمانه هر یک از آنها را جداگانه مطالعه کنیم. علاوه بر این، رفتار مجرمانه جعل و تزویر مادی نیز دو صورت متفاوت دارد. در پاره ای از موارد، مرتکب از ابتدا اقدام به ساختن یک سند به صورت تام و کامل می کند؛ به این ترتیب که با تهیه لاشه و جسم سند، تمامی اجزای مورد نیاز برای تدوین و تنظیم یک سند رابه وجود می آورد. از این صورت به عنوان «جعل مادی به نحو کلی و اولی» یاد می کنیم. در پاره ای از موارد دیگر، عملیات مزورانه و دخل و تصرف، در سندی صورت می پذیرد که از قبل وجود داشته است؛ به این ترتیب که مرتکب اقدام به کاستن از اجزای آن و یا افزودن به اجزای آن می نماید. این صورت را «جعل و تزویر مادی به نحو جزئی و ثانوی» می نامیم. صورتهای سه گانه یاد شده از این جهت که به پیدایش یک سند غیر از سند اصیل و واقعی منجر می شود، اشتراک دارد؛ ولی از پاره ای جهات با یکدیگر تفاوت و تمایز دارد که در ادامه همین گفتار آنها را بررسی می کنیم. براین اساس مصادیق رفتار مجرمانه جعل و تزویر را در چهار بند مطالعه می کنیم، رفتار مجرمانه جعل و تزویر مادی به نحو کلی و اولی (بند نخست)، رفتار مجرمانه جعل و تزویر مادی به نحو جزئی و ثانوی (بند دوم)، رفتار مجرمانه جعل و تزویر مفادی (بند سوم) و تفاوت صورتهای رفتار مجرمانه جعل و تزویر (بند چهارم)،

بند نخست: رفتار مجرمانه جعل و تزویر مادی به نحو کلی و اولی

اکثر حقوقدانان با توجه به تعریف جعل و تزویر مبنی بر تحریف و تغییر حقیقت در سند و نوشته، رفتار مجرمانه آن را در یک تعبیر کلی، « تغییر و تحریف حقیقت » می دانند. آنها بر این باورند که باید رفتاری از مرتکب سرزند که به تغییر واقعیت و حقیقتی منجر شود که سند و نوشته حاکی از آن است. برای مثال، یک بیع نامه یا سند مالکیت اصیل، از مالکیت کسی حکایت دارد که در واقع آن ملک را خریداری کرده و یا به طریق قانونی مالک شده است. اگر کسی در این قبیل اسناد دخل و تصرف کند و نام خریدار یا مالک واقعی را محو نماید و نام دیگری را در آن قید کند، عمل او تحریف محتوای اسناد مزبور است؛ یا کسی که علی رغم وجود این اسناد، اقدام به تنظیم اسناد دیگری به اسم خود و یا ثالثی کند، اقدام او تحریف و تغییر واقعیت اسناد متعلق به دیگری است. بنابراین، در همه صورتهای جعل و تزویر، رفتاری که به مرتکب قابل انتساب است، تغییر و یا تحریف و واقعیت یا وارونه جلوه دادن حقیقت است که اثر و نتیجه آن در سند یا نوشته ظهور و بروز پیدا می کند (نجیب حسنی، ۱۹۹۲، ۲۱۸، بهنام، ۱۹۸۹، ۴۴۹، صبحی العطار، « بی تا»، ۳۸۳، پیمانی، ۱۳۷۹، ۱۰۸، سالاری، ۱۳۸۶، ۵۵)،

چنان که ملاحظه می شود، تحریف و تغییر واقعیت و حقیقت، اثر و نتیجه ای است که بر رفتار مرتکب مترتب می شود؛ بنابراین، تغییر و تحریف واقعیت، رفتار مجرمانه نیست بلکه اثر و نتیجه ای است که از رفتار مرتکب ناشی می شود. بدون تردید، اثر و نتیجه را نباید با رفتاری که از مرتکب سر می زند، یکی دانست. در باب قتل نیز بعضی از حقوقدانان چنین برداشتی دارند؛ به این ترتیب که رفتار مجرمانه قتل را سلب حیات می دانند (صادقی، ۱۳۸۵، ۴۲؛ آقایی نیا، ۱۳۸۶، ۱۸)؛ در حالی که سلب حیات، نتیجه ای است که از رفتار مرتکب ناشی می شود و نباید آن را رفتار مجرمانه قتل به شمار آورد. تعریف قتل به سلب حیات یا ازهاق روح، تعریف به اثر و نتیجه ای است که از رفتار مرتکب ناشی می شود. رفتار مجرمانه قتل، رفتاری است که به سلب حیات منجر می شود، همانند وارد کردن ضربه چاقو به بدن دیگری و یا شلیک کردن تیر به سوی دیگری و رفتارهایی از این قبیل. در جعل و تزویر نیز تغییر حقیقت، نتیجه و اثری است که بر رفتار مرتکب مترتب می شود. رفتار مرتکب در باب هر جرم، حسب مورد، آن فعل یا ترک فعل ممنوعی است که از شخصی سر می زند. در برخی از جرایم (جرایم مطلق)، وجود این فعل یا ترک فعل برای تحقق جرم کافی است، ولی در پاره ای از جرایم (جرایم مقید)، این فعل و یا ترک فعل باید به پیدایش اثر و نتیجه ای منجر شود. در این قبیل جرایم، بدون پیدایش اثر و نتیجه مورد نظر، جرم

محقق نخواهد شد. البته، این بدان معنا نیست که جعل و تزویر یک جرم مقید است؛ جعل و تزویر در زمره جرایم مطلق است و برای تحقق آن، حصول ضرر و زیان به عنوان اثر و نتیجه در عالم خارج لازم نیست. به این اعتبار جعل و تزویر، جزو جرایم مطلق است، ولی از این جهت که رفتار مرتکب باید منجر به تحریف و تغییر واقعیت در سند و یا نوشته شده باشد، همانند جرایم مقید است. به همین اعتبار، بر خلاف حقیقت بودن به عنوان یک شرط برای تحقق این جرم مورد توجه قرار گرفته است که در گفتار بعد آن را بررسی می کنیم.

رفتار مجرمانه جعل و تزویر در همه صورتهای یاد شده، رفتاری یدی است که در غالب موارد به صورت نوشتن و نگارش ظهور و بروز پیدا می کند. این رفتار ممکن است با استفاده از ابزارهای ساده ای همچون قلم، خودکار و خودنویس باشد و ممکن است با دستگاههای پیچیده ای همچون ماشین تایپ، کامپیوتر و سایر دستگاههای چاپ صورت پذیرد. همچنین ممکن است رفتار مرتکب به صورت ترکیبی باعث تحقق جعل و تزویر بشود؛ مثل آن که شخصی ابتدای کلمه یا حرفی را در سندی بخرشد و سپس کلمه یا حرفی را به آن اضافه کند. در چنین حالتی، چند رفتار متفاوت باعث تحقق جعل و تزویر می شود.

به هر حال، رفتار مجرمانه جعل و تزویر مادی به نحو کلی و اولی، همان طور که در ماده ۵۲۳ ق.م.ا نیز به آن تصریح شده است، «ساختن» است؛ ساختن سند، نوشته، مهر، امضا و امثال آن. منظور از ساختن در اینجا، خلق و ایجاد کردن چیزی است که از قبل وجود نداشته است. به عبارت دیگر، در چنین مواردی فرض بر این است که هیچ یک از اجزای سند، نوشته و یا سایر اشیای یادشده، در عالم خارج وجود نداشته است و مرتکب همه آنها را به وجود آورده است؛ مثل ساختن گواهی نامه رانندگی، مدرک تحصیلی، شناسنامه، گذرنامه، قرارداد، قول نامه، مهر و غیره. در هر یک از موارد یاد شده، همه اجزا و مندرجات سند، اعم از ماده و جسم سند، کلمات، عبارات و ارقام موثر در پیدایش سند توسط مرتکب گردآوری شده و با پیوند دادن آنها به یکدیگر موجب پیدایش سند شده است. بدیهی است، رفتار مجرمانه در این قسم، به صورت فعل و رفتار مثبت بروز و ظهور پیدا می کند. بنابراین تا یک فعل و رفتار مثبت یدی (دستی) به صورت بسیط و ساده و یا به صورت ترکیبی و پیچیده، با استفاده از یک ابزار خاص از یک نفر سر نزنند، جرم یاد شده محقق نمی شود (القهوجی، ۲۰۰۱، ۱۲۵؛ محمد سلامه، ۱۹۸۸، ۴۳۳؛ محمود مصطفی، ۱۹۸۴، ۲۶۴)،

ساختن مهر نیز به نوبه خود، عبارت است از تولید و سیله ای که با به کار بردن آن می توان علامت و نشانه مربوط به یک شخص - اعم از حقیقی و حقوقی - را نقش کرد. در این جا نیز

مرتکب همه اجزای لازم برای پیدایش یک مهر را فراهم می کند. همچنین ساختن امضا ممکن است در قالب ساختن مهر باشد و ممکن است در قالب ساختن سند و نوشته. چنین سند و نوشته‌ای که امضا در ذیل آن درج شده است، ممکن است دارای سایر مندرجات باشد و یا خالی از مندرجات و به صورت سفید امضا باشد. ساختن امضا، به ویژه امضای منتسب به مقامات و مسؤولان مملکتی به اعتبار مقام و موقعیت آنها، فی نفسه جرم به حساب آمده است؛ چرا که چنین رفتاری ممکن است موجب سوء استفاده های گوناگونی شود. ساختن امضا و یا مهر مقامات دولتی، امکان ساختن اسناد رسمی و مهم را فراهم می آورد و به این جهت، نفس ساختن امضا و یا مهر منتسب به مقامات دولتی، جرم به شمار آمده است. به طور کلی، نقش کردن امضا یا مهر، جزئی از اجزای یک سند و نوشته را تشکیل می دهد و از آنجا که این جزء از مهمترین اجزای یک سند محسوب می شود و حاکی از اراده منتسب الیه در انشای موضوع سند است، قانونگذار اقدام فرد برای ساختن آن را همانند ساختن سند به شمار آورده است و صرف نظر از به کار بردن آن در سند یا نوشته، ساختن آن را به تنهایی، جرم و قابل مجازات اعلام کرده است (القهوجی، ۲۰۰۱، ۱۲۳؛ زکی ابوعامر، ۱۹۹۳، ۱۱۲)، به عبارت روشن تر، ساختن مهر به تنهایی وسیله‌ای برای بیان اراده است و از این حیث دارای ارزش و اثر حقوقی خاصی است و باید آن را همانند ساختن یک سند به شمار آورد. علاوه بر این، ممکن است چنین مهری، در زیر یک سند و یا نوشته نقش شود که این رفتار را باید جداگانه در نظر گرفت.

شایان ذکر است که قانونگذار در ماده ۵۲۳ ق.م.ا «به کار بردن مهر دیگری» را نیز جعل و تزویر به شمار آورده است. منظور از به کار بردن مهر دیگری، این است که یک نفر، بدون اذن و اجازه صاحب مهر، آن را برداشته، اثر آن را بر روی سند و یا نوشته ای و یا بر روی یک کاغذ سفید نقش کند. در این حالت، هر چند مهر و اثر آن از اصالت بر خوردار است، ولی از آنجا که نقش کردن آن ناشی از اراده صاحب مهر نیست، همانند آن است که استفاده کننده، امضا و یا مهر غیر واقعی را به صاحب مهر نسبت داده است (زکی ابوعامر، ۱۹۹۳، ۱۰۹، محمود مصطفی، ۱۹۸۴، ۲۵۶)،

بند دوم: رفتار مجرمانه جعل و تزویر مادی به نحو جزئی و ثانوی

در این قسم از جعل و تزویر نیز رفتار مجرمانه «ساختن» است؛ ولی ساختن به نحو جزئی و ثانوی. در مقابل قسم اول که ساختن به نحو کلی و اولی مد نظر است، در این قسم، فرض بر این

است که از قبل سندی وجود داشته و به نحوی در دسترس مرتکب قرار گرفته است و به دنبال آن، مرتکب اقدام به کم یا اضافه کردن مندرجات آن می نماید. به عبارت دیگر، در چنین مواردی، سندی که از قبل تنظیم و تحریر گردیده است، توسط مرتکب دستخوش تغییر و دگرگونی می شود. این تغییر و دگرگونی، به طور کلی، از دو گونه رفتار ناشی می شود، یا کاستن از اجزای سند است یا اضافه کردن به اجزای سند. قانونگذار در ماده ۵۲۳ ق.م.ا در مقام بیان رفتار مجرمانه این قسم از جعل و تزویر، واژه های خراشیدن، تراشیدن، قلم بردن، الحاق کردن، محو کردن، اثبات کردن، سیاه کردن و الصاق کردن را به کار برده است. مصادیق مذکور در این ماده، جنبه تمثیلی دارد؛^۱ زیرا هر یک از رفتارهای یادشده، از دو صورت مزبور خارج نیست، یا در جهت کاستن از اجزای سند است و یا در جهت افزودن به اجزای آن. بدیهی است هر رفتاری که برای این منظور صورت پذیرد، مشمول حکم این ماده می شود. آنچه مسلم است، در این قسم نیز رفتار مجرمانه، به صورت مثبت و در قالب فعل بروز و ظهور پیدا می کند. از این رو، مصادیق مزبور موضوعیت نداشته و اقدام مرتکب در جهت کم یا زیاد کردن اجزای سند ملاک تحقق جرم و رفتار مجرمانه است (صبحی العطار، بی تا، ۳۹۸)، به عبارت دیگر، رفتار مرتکب در این قسم از جعل و تزویر، مخدوش کردن سند است. مخدوش کردن سند به گونه های مختلفی ممکن است صورت پذیرد که قانونگذار به مصداقهای شایع آن تصریح کرده است. علت ذکر این رفتارها در قانون، این است که در طول زمان، جعل و تزویر بیشتر با ارتکاب چنین رفتارهایی واقع شده است.

شایان ذکر است کم کردن و یا زیاد کردن اجزای موثر سند برای تحقق این قسم از رفتار مجرمانه ضرورت دارد و منظور از اجزای موثر، اجزایی است که تغییر آن باعث تغییر آثار حقوقی آن سند شود، همانند کم یا زیاد کردن نام و یا نام خانوادگی اشخاص، تاریخ و اجزایی از این قبیل.

۱. در برخی از کشورها حقوقدانان، ارتکاب این قسم از جعل و تزویر به طرق مذکور در قانون را حصری می دانند. آنها بر این باورند که قانونگذار با تصریح به موارد مذکور، تا حدی که مصالح و منافع اجتماعی اقتضا می کند، راههای ارتکاب را شناسایی کرده است و بیش از این راههای دیگری بر ای ارتکاب جعل و تزویر وجود ندارد (نجیب حسنی، ۱۹۹۲، ۲۲۷؛ محمد سلامه، ۱۹۸۸، ۴۲۹؛ محمود مصطفی، ۱۹۸۴، ۲۴۸).

اگر چه ارتکاب این قسم از جعل و تزویر در بیشتر موارد به یکی از راههای یاد شده امکان پذیر است، ولی نحوه وضع قانون در کشور ما به گونه ای نیست که دلالت بر حصری بودن رفتارهای مذکور نماید، بلکه بیشتر حاکی از این است که ارتکاب رفتار باید باعث ایجاد دگرگونی و تغییر در اجزای سند شده باشد. قید « و نظایر اینها» در پایان ماده ۵۲۳ ق.م.ا نیز بر این معنا دلالت دارد و منظور از آن، نظایر رفتارهای مذکور است (مصلاهی، ۱۳۸۲، ۴۸).

کم یا زیاد کردن اجزایی که موجب تغییر آثار حقوقی در سند نیست همانند کم و یا زیاد کردن عدد «۱۳» در جلوی تاریخ سال شمسی و یا کلمات و عباراتی که اشخاص به عنوان تبرک در اسناد و قراردادهای می نویسند؛ مثل «به نام خدا، با سمه تعالی و همانند آنها». چنین کم یا زیاد کردنی، اگر چه تغییری را در سند ایجاد می کند، ولی نباید آن را جعل و تزویر به شمار آورد. زیرا مفاد و محتوای سند و آن امر حقوقی را که منتسب الیه اراده کرده است، تغییر نمی دهد (زکی ابو عامر، ۱۹۹۳، ۱۱۱).

همان طور که اشاره شد، قانونگذار در ماده ۵۲۳ ق.م.ا به پاره ای از رفتارهایی که موجب کم یا زیاد شدن اجزای سند می شود، اشاره کرده است. این رفتارها عبارت است از، خراشیدن، تراشیدن، قلم بردن، الحاق کردن، محو کردن، اثبات کردن، سیاه کردن و الصاق کردن، که معنا و مفهوم هر یک از رفتارهای یاد شده را به اختصار بیان می کنیم.

خراشیدن و تراشیدن، حقوقدانان این دو رفتار را به گونه‌های مختلفی تعریف و توصیف کرده اند (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰، ۲۵۹؛ مصلائی، ۱۳۸۲، ۴۹؛ سالاری، ۱۳۸۶، ۹۴)، این دو واژه مترادف است و به معنای از بین بردن جزیی از یک عدد و یا یک کلمه مثل این که یک نفر دندانان عدد «۳» را کم کند و آن را به «۲» تبدیل نماید و یا از بین بردن تمام کلمه، عبارت و یا یک جمله است؛ اعم از این که برای این منظور وسیله ای را به کار برده و یا بدون استفاده از وسیله این کار را انجام داده باشد.

قلم بردن، این رفتار دارای معنا و مفهومی عام است و منظور از آن، کاستن و یا افزودن به اجزای سند با استفاده از یک وسیله نوشتاری، همچون خودکار، مداد، خودنویس و مانند اینهاست. این واژه را نیز به گونه‌های مختلفی تعریف کرده اند (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰، ۲۵۹؛ مصلائی، ۱۳۸۲، ۵۲؛ سالاری، ۱۳۸۶، ۹۷).

الحاق کردن، این واژه آشکارا به معنای افزودن به اجزای سند و نوشته است. منظور از الحاق کردن، اضافه کردن یک حرف، علامت، عدد، کلمه، عبارت و یا جمله ای به اجزای یک سند یا نوشته است.

محو کردن، در مقابل الحاق کردن که معنای افزودن به اجزای سند را در بر دارد، محو کردن به معنای کاستن از اجزای سند است. در صورتی که مرتکب یک حرف، علامت، عدد، کلمه، عبارت و یا جمله ای از اجزای یک سند و یا نوشته را پاک کند و یا حذف کند، عمل او محو کردن به شمار می آید.

اثبات کردن، بیشتر حقوقدانان اثبات کردن را اعتبار بخشیدن به سند یا نوشته باطل از طریق پاک کردن و از بین بردن علامت بطلان سند یا کلمه « باطل » از روی سند می‌دانند (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰، ۲۵۹؛ مصلایی، ۱۳۸۲، ۵۲)،

سیاه کردن، این رفتار مصداقی از محو کردن است؛ به این ترتیب که مرتکب با به کار بردن وسیله‌ای همچون جوهر، مواد شیمیایی، خودکار و همانند اینها، یک حرف، علامت، عدد، کلمه، عبارت و یا جمله‌ای از اجزای یک سند و یا نوشته را حذف و ناپدید می‌سازد.

الصاق کردن، حقوقدانان بر این باورند که الصاق کردن عبارت از چسباندن و پیوند دادن تکه‌های مختلف دو یا چند سند و نوشته به یکدیگر است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰، ۲۶۲؛ مصلایی، ۱۳۸۲، ۵۲؛ سالاری، ۱۳۸۶، ۹۹)، به عبارت دیگر، الصاق کردن در جایی صورت می‌پذیرد که امکان پیوست کردن و ضمیمه کردن یک سند و یا نوشته به سند و یا نوشته دیگری فراهم باشد. بنابراین، منظور از الصاق کردن، پیوست کردن یک سند و یا نوشته به سند و یا نوشته دیگری است. در مواردی که یک سند دارای یک یا چند پیوست است، بدیهی است که مجموعه آنها سند واحدی را تشکیل می‌دهد؛ از این رو، چنانچه هر کدام از پیوستها جدا و یا بر گه دیگری به آن ضمیمه شود، الصاق محقق خواهد شد. این اقدام به نوبه خود مصداقی از کاستن یا افزودن به اجزای سند به شمار می‌آید. با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که چسباندن اجزای پاره شده یک سند و نوشته به یکدیگر جعل و تزویر نیست؛ زیرا رفتار مجرمانه جعل و تزویر، ساختن سند و یا نوشته به ترتیب مذکور است و چسباندن اجزای پاره شده یک سند و نوشته به یکدیگر، نه ساختن سند به نحو کلی و اولی است و نه ساختن سند به نحو جزئی و ثانوی.

به همین ترتیب، سوزاندن سند، به صورت جزئی و یا کلی، تخریب سند و مشمول مواد ۶۸۱ و ۶۸۲ ق.م.ا است و از شمول جعل و تزویر خارج است؛ هر چند ممکن است آثاری همانند جعل و تزویر در پی داشته باشد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰، ۲۶۱)، از منظر تطبیقی در قانون جزای لبنان، اتلاف کلی و یا جزئی سند، با توجه به این که آثار جعل و تزویر را به همراه دارد، به موجب ماده ۴۵۶ قانون مزبور در حکم جعل و تزویر به شمار آمده است (القهورجی، ۲۰۰۲، ۱۲۹)،

تقدیم یا تاخیر تاریخ سند، در ادامه ماده یاد شده، قانونگذار به «تقدیم یا تاخیر تاریخ سند» اشاره نموده است. بدیهی است تقدیم یا تاخیر تاریخ سند، رفتار مجرمانه جداگانه‌ای نیست و ممکن است به یکی از طرق مذکور در بالا صورت پذیرد، ولی از آنجا که در بیشتر موارد، تاریخ سند می‌تواند

آثار و تبعات حقوقی خاصی را در پی داشته باشد، قانونگذار به طور ویژه بر این موضوع تاکید کرده است (سالاری، ۱۳۸۶، ۱۰۷)،^۱

بند سوم: رفتار مجرمانه جعل و تزویر معنوی

در جعل و تزویر معنوی، وضعیت از این قرار است که یک نفر بنا به یک موقعیت خاص (مثل کارمند بودن، سردفتر بودن و غیره)، مسؤولیت تنظیم سندی، در ارتباط با دیگری و یا دیگران را بر عهده دارد. شخص و یا اشخاصی که سند در ارتباط با آنها و یا منتسب به آنها تنظیم می شود، مطالب و اطلاعاتی را جهت درج در سند اعلام و انشا می کنند، ولی تنظیم کننده سند، به عمد و اراده آنها را نادیده می گیرد و مطالب دیگری، بر خلاف مطالبی که اعلام گردیده است، را در سند منعکس می کند و یا مطالب مورد نظر را درج نمی کند. در چنین حالتی، فرد یا افرادی که سند در ارتباط با آنها تنظیم می گردد، امر خاصی را اراده و اعلام می کنند، ولی تنظیم کننده سند، امر دیگری را اراده و در سند درج می کند. به عبارت دیگر، در این قبیل موارد، تنظیم کننده سند بر اساس موقعیت خاص خود، مکلف است سند را به گونه ای که منتسب الیه اراده کرده است، تنظیم کند، ولی وی از این تعهد سر باز می زند و سند را به گونه دیگری تنظیم می کند. در اینجا فرض بر این است که تنظیم کننده سند، اراده خود را به جای اراده منتسب الیه قرار داده است و مطالبی را که مورد نظر خودش و یا در پاره ای از اوقات مورد نظر ثالثی بوده، در سند منعکس کرده است. به اعتبار همین حالت ذهنی و روانی جایگزین ساختن اراده خود به جای اراده دیگری - این صورت از جعل و تزویر را «جعل و تزویر معنوی» می خوانند.^۲ در این قسم از جعل و تزویر، یک نفر عهده دار تنظیم و املائی سند و یک یا چند نفر عهده دار تقریر و انشای مطالب و مندرجات سند هستند. ارتکاب این نوع جعل و تزویر در دفترخانه های اسناد رسمی و نزد دادگاهها و مراجع قضایی و یا سایر مراجع و نهادهای دولتی و عمومی امکان پذیر است. برای مثال، در دفترخانه، به طور معمول سر دفتر و یا کارمندان زیردست او عهده دار تنظیم سند هستند. طرفین یک معامله و یا یک رابطه

۱. شایان ذکر است که ارتکاب چند گونه از رفتارهای یاد شده در یک سند توسط یک نفر و یا توسط چند نفر، مباحث شروع به جرم، شرکت در جرم و تعدد در این جرم را به میان می آورد که این مقاله در مقام بیان این مباحث نیست.

۲. این قسم از جعل و تزویر، به اعتبار آن که موجب تغییر مضمون، مفاد و محتوای سند می گردد، جعل و تزویر مفادی خوانده می شود.

حقوقی، مطالب مربوط به آن معامله را تقریر و انشا می کنند و سردفتر و یا کارمند دفترخانه آنها را در سند مورد نظر منعکس می کنند. اگر در چنین موقعیتی، طرفین یا یکی از آنها مطلبی را بگوید و سردفتر آن را نادیده بگیرد و مطلب دیگری را در سند قید کند، مرتکب جعل و تزویر معنوی شده است.

به موجب ماده ۵۳۴ ق.م.ا، «هریک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأموران به خدمات عمومی که در تحریر نوشته ها و قراردادها راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند، اعم از این که موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دهند، علاوه بر مجازاتهای اداری و جبران خسارت وارده، به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد». این ماده حاکی از آن است که ارتکاب جعل و تزویر معنوی به پنج روش، امکان پذیر است. این پنج روش عبارت است از، ۱- تغییر موضوع یا مضمون نوشته و یا سند؛ ۲- تحریف گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی؛ ۳- تحریف تقریرات یکی از طرفین، ۴- صحیح جلوه دادن امر باطل و یا باطل جلوه دادن امر صحیح؛ ۵- اقرار جلوه دادن چیزی که به آن اقرار نشده است و بالعکس.

از منظر تطبیقی ماده ۲۱۳ قانون جزای مصر همانند ماده یادشده تنظیم گردیده است. بعضی از حقوقدانان این کشور، موارد یاد شده را به صورت جداگانه بررسی کرده اند و از گفته آنها چنین بر می آید که هر یک از این موارد، رفتار خاصی است و جنبه حصری دارد (نجیب حسنی، ۱۹۹۲، ۲۴۱؛ صبحی العطار، «بی تا»، ۳۹۵)، ولی در این خصوص نظر مخالفی وجود دارد؛ مبنی بر این که همه این موارد به مورد اول (تغییر موضوع یا مضمون نوشته و یا سند) بازگشت می کند و جنبه حصری ندارد (بهنام، ۱۹۸۹، ۴۵۵)،

بنابراین، رفتار مجرمانه این قسم از جعل و تزویر نیز در بیشتر موارد، فعل و رفتار مثبت است. به عبارت دیگر، رفتاری که در این قسم از جعل و تزویر سر می زند، نگارش و نوشتن سند یا نوشته است و این نگارش و نوشتن به گونه ای است که موجب تغییر موضوع یا مضمون نوشته و یا سند و منجر به پیدایش سند مجعول و مزور می شود. البته، در پاره ای از موارد ارتکاب جعل و تزویر معنوی با ترک فعل نیز امکان پذیر است. به این ترتیب، در جایی که منتسب الیه، مطالبی را اعلام کند و تنظیم کننده سند آن را در سند منعکس نکند، مرتکب ترک فعل شده است (حسنی، ۱۹۹۲، ۲۴۵؛ صبحی العطار، «بی تا»، ۳۹۸؛ محمد سلامه، ۱۹۸۸، ۴۳۹؛ زکی ابو عامر، ۱۹۹۳، ۱۲۰)، در

واقع، در این فرض، آنچه منجر به ایجاد و پیدایش سند مجعول گردیده است، رفتار منفی و ترک فعل مرتکب است. این که گفته شود حکم مقنن در باب جعل و تزویر به صورت نهی بیان شده و به همین دلیل، انجام یک فعل و رفتار مثبت برای نقض این نهی ضرورت پیدا می کند و رفتار مرتکب در همه صورتهای جعل و تزویر، فعل و رفتار مثبت است و این جرم با ترک فعل تحقق نمی یابد، صحیح نیست.

بعضی از نویسندگان، استبدال شخصی و معرفی خود به جای دیگری و امضا کردن ذیل یک سند و یا درج مطالبی در یک سند را از مصادیق جعل و تزویر معنوی به شمار آورده اند؛ به این ترتیب که اگر یک نفر خود را به جای دیگری معرفی کند و سندی را امضا نماید و یا مطالبی را در سندی درج نماید، مرتکب جعل و تزویر معنوی شده است (سلیمان پور، ۱۳۴۱، ۷۴؛ سالاری، ۱۳۸۶، ۱۲۴؛ نجیب حسنی، ۱۹۹۲، ۲۴۴؛ صبحی العطار، «بی تا»، ۳۹۶؛ زکی ابو عامر، ۱۹۹۳، ۱۱۹)، در حالی که چنین رفتاری نیز از مصادیق جعل و تزویر مادی است، زیرا جعل و تزویر معنوی در جایی رخ می دهد که یک نفر اشناکننده سندی باشد و دیگری املا و نگارش آن سند را بر عهده داشته باشد؛ در صورتی که در این مورد اشناکننده سند و املاکننده آن از یکدیگر متمایز نیستند. بعضی بین استبدال شخصی و استبدال شخص تمایز قایل شده، بر این باورند که استبدال شخصی وقتی تحقق می یابد که برای مثال سردفتری حضور یک نفر را به عنوان طرف معامله در سند ذکر و تصدیق می کند؛ در حالی که کسی که نزد او حاضر شده است، غیر از آن کسی است که نامش در سند درج شده است، ولی استبدال شخص، عمل فردی است که با غصب هویت دیگری، به جای او خود را معرفی کند و ذیل سندی را امضا نماید. در این جا عمل چنین کسی از مصادیق جعل و تزویر مادی است (مصلائی، ۱۳۸۲، ۶۲)، این تمایز و تفکیک صحیح نیست؛ زیرا با توجه به آنچه بیان شد، هر دو مورد یادشده، مصداقی از جعل و تزویر مادی است. به عبارت دیگر، استبدال شخص و استبدال شخصی به ترتیب مذکور در بالا، هر دو مصداقی از جعل و تزویر مادی هستند.

شایان ذکر است که ارتکاب جعل و تزویر معنوی، هم در اسناد رسمی و هم در اسناد عادی امکان پذیر است و عبارت ماده ۵۳۴ ق.م.ا نباید این تردید را ایجاد کند که اسناد عادی موضوع جعل و تزویر معنوی واقع نمی شود، زیرا اطلاق ماده ۵۳۶ قانون یاد شده که مقرر می دارد، «هر کس در اسناد یا نوشته های غیررسمی جعل یا تزویر کند، یا با علم به جعل و تزویر آنها را مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد»، ارتکاب هر یک از اقسام جعل و تزویر در اسناد عادی را

شامل می شود. برای مثال، در بنگاه معاملاتی که بنگاهدان تنظیم قولنامه و اسناد عادی دیگری از این قبیل را بر عهده دارد، ارتکاب جعل معنوی امکان پذیر است و یا اگر کسی تنظیم و تکمیل چکی را به دیگری واگذار کند و آن شخص بر خلاف نظر صاحب حساب، چک را تنظیم کند، مرتکب جعل و تزویر معنوی شده است (سلیمان پور، ۱۳۴۱، ۷۲)،

بند چهارم: تفاوت صورتهای رفتار مجرمانه جعل و تزویر

جعل و تزویر معنوی با هر یک از دو صورت جعل و تزویر مادی از جهتی مشابهت و از جهتی دیگر تفاوت دارد. فرق جعل و تزویر معنوی با جعل و تزویر مادی به نحو جزئی روشن است؛ چرا که در جعل و تزویر مادی به نحو جزئی، ابتدا سند توسط یک نفر تحریر و تنظیم شده است و بعد از آن مورد دستکاری قرار می گیرد؛ به گونه ای که جزئی از اجزای آن کم و یا اضافه می شود که در نهایت به مخدوش شدن سند منجر می گردد. در جعل و تزویر معنوی، ارتکاب رفتار مجرمانه و تنظیم سند در یک زمان صورت می پذیرد، ولی در جعل و تزویر مادی به نحو جزئی، زمان ارتکاب رفتار مجرمانه پس از زمان تنظیم سند است. اشتراک این دو قسم با یکدیگر در این است که در هر دو، جزئی از اجزای سند مورد تغییر و تحریف واقع می شود (سالاری، ۱۳۸۶، ۱۱۶)،
فرق جعل و تزویر معنوی با جعل و تزویر مادی به نحو کلی در این است که در قسم اخیر، مرتکب همه اجزای سند (اعم از جسم و ماده سند، عبارات و کلمات، امضا، مهر و غیره) را به هنگام تنظیم و تحریر، بدون مداخله منتسب الیه، به وجود می آورد؛ ولی در جعل و تزویر معنوی، مرتکب به هنگام تنظیم و تحریر سند، بعضی از اجزای آن را تغییر می دهد. بدیهی است، مشابهت این دو صورت، در این است که در هر دو مورد، رفتار مجرمانه همزمان و به هنگام تنظیم سند صورت می پذیرد.

علاوه بر این، تمایز جعل و تزویر معنوی از دو قسم دیگر، در این است که در جعل و تزویر معنوی، مرتکب بر اساس یک موقعیت خاص، اختیار و صلاحیت تنظیم سند را دارد ولی در دو قسم دیگر، مرتکب دارای چنین اختیاری نیست. حال ممکن است این اختیار و صلاحیت ناشی از موقعیت اداری مرتکب باشد و یا در نتیجه تفویض اختیار از ناحیه طرفین سند برای او به وجود آمده باشد.

همچنین، از لحاظ اثباتی، اثر هر دو قسم جعل و تزویر مادی بر روی سند قابل مشاهده و رویت است و از طریق کارشناسی و با استفاده از ابزارهای علمی قابل تشخیص و اثبات است؛ در حالی که

جعل و تزویر معنوی، اثری را بر جسم سند باقی نمی گذارد و با استفاده از ادله دیگر، مثل اقرار و یا گواهی، قابل اثبات است و ابزار علمی نقشی در اثبات جعلیت آن ندارد.

گفتار دوم: شرایط رفتار مجرمانه جعل و تزویر

ساختن سند، نوشته، مهر، امضا و همانند آنها در صورتی جعل و تزویر به شمار می آید که واجد دو شرط باشد، یکی آن که متضمن ضرر و زیانی برای دیگری باشد و دیگر این که بر خلاف واقعیت باشد. این دو شرط را جداگانه و در دو بند مورد مطالعه قرار می دهیم، قابلیت اضرار (بند نخست) و بر خلاف واقعیت بودن (بند دوم)،

بند نخست: قابلیت اضرار

در هیچ یک از مواد قانون مجازات اسلامی به لزوم این شرط برای تحقق جعل و تزویر تصریح نشده است. در قوانین و مقررات سابق نیز چنین شرطی مورد توجه قرار نگرفته بود. از نظر تطبیقی در ماده ۱-۴۴۱ قانون جزای جدید فرانسه به این شرط تصریح شده است.^۱ رویه قضایی نیز در بیشتر کشورها بر لزوم این شرط صحه گذاشته است. حقوقدانان بر لزوم این شرط مبنی بر این که سند و نوشته مجعول باید قابلیت ضرر و زیان رساندن به شخصی را داشته باشد، اتفاق نظر دارند؛ یعنی در صورت استفاده از سند مجعول و مزور، امکان ورود ضرر به شخص یا اشخاصی داشته باشد. بعضی دیگر از حقوقدانان از این شرط به عنوان «رکن نتیجه» یاد کرده اند و قابل اضرار

۱. به موجب ماده ۱-۴۴۱ قانون جزای این کشور، «جعل عبارت است از هر گونه تغییر متقلبانه حقیقت که با هر شیوه ای در یک سند یا دیگر وسایل بیان [اراده] ایجاد شده و قابل اضرار [به غیر] باشد؛ تغییر متقلبانه ای که به قصد فراهم کردن یک دلیل برای حق یا وضعیتی که آثار حقوقی به دنبال دارد، انجام گرفته باشد و یا اگر چنین قصدی وجود ندارد، اثر این تغییر متقلبانه بتواند منجر به ایجاد چنین دلیلی بشود. مجازات جعل و استفاده از اسناد مجعول تا سه سال حبس و تا ۵۰۰۰۰ یورو جزای نقدی است». متن انگلیسی ماده یاد شده از این قرار است،

ARTICLE 441-1 "Forgery consists of any fraudulent alteration of the truth liable to cause harm and made by any means in a document or other medium of expression of which the object is, or effect may be, to provide evidence of a right or of a situation carrying legal consequences. Forgery and the use of forgeries is punished by three years' imprisonment and a fine of €45,000".

شایان ذکر است که در قانون جزای پیشین فرانسه این شرط نیامده بود. در قانون جزای مصر نیز به این شرط تصریح نشده است، ولی همان طور که در بالا اشاره شد، حقوقدانان این کشور در این زمینه اتفاق نظر دارند. در ماده ۵۳ قانون جزای لبنان به طور ضمنی این شرط مورد توجه قرار گرفته است.

بودن رفتار جاعل و مزور را در ذیل آن مورد بررسی قرار داده اند (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰، ۲۹۶؛ سالاری، ۱۳۸۶، ۱۲۷؛ مصلائی، ۱۳۸۲، ۸۵)، بعضی از حقوقدانان آن را به طور جداگانه و به عنوان یکی از ارکان اختصاصی جرم مزبور مورد مطالعه قرار داده اند (سلیمان پور، ۱۳۴۱، ۹۱؛ صبحی العطار، «بی تا»، ۳۹۹؛ نجیب حسنی، ۱۹۹۲، ۲۵۰؛ زکی ابو عامر، ۱۹۹۳، ۱۲۰؛ القهوجی، ۲۰۰۲، ۱۴۰) و عده‌ای دیگر از آن به عنوان شرط رفتار یاد کرده اند (محمد سلامه، ۱۹۸۸، ۴۴۱؛ بهنام، ۱۹۸۹، ۴۵۹)، بدین ترتیب، معلوم می‌شود که در این زمینه قبل از هر چیز دکتربین ایفای نقش کرده است و در جهت جبران کاستی قانون، رویه قضایی با تأثیر پذیری از دکتربین به نحو منطقی ارایه طریق نموده است.

حال سؤال این است که دکتربین بر چه اساسی این اندیشه را ارایه کرده است؟ بدون تردید، با توجه به نارسایی الفاظ و عبارات قانون در این زمینه، حقوقدانان مبنای جرم انگاری را مورد توجه قرار داده اند، زیرا در بیشتر موارد جعل و تزویر، به صورت مستقیم و بالفعل ضرر و زیانی را در پی ندارد؛ حتی استفاده از سند مجعول نیز دارای چنین اثر و نتیجه‌ای نیست؛ یعنی در استفاده از سند مجعول نیز در بیشتر موارد به صورت بالفعل زیانی بر رفتار مرتکب مترتب نمی‌شود؛ چرا که در بسیاری از موارد با اثبات جعلیت سند، استفاده کننده از دست یابی به هدف مورد نظرش باز می‌ماند و از عمل او، ضرری به منتسب الیه (و یا کسی که سند مجعول به ضرر او استفاده شده است) نمی‌رسد. بنا براین، جرم انگاری جعل و تزویر و همین‌طور استفاده از سند مجعول به خاطر قابلیت ضرر و زیانی است که در نتیجه استفاده از سند مجعول و عدم کشف آن ممکن است به دیگری وارد آید. برای جلوگیری از ورود چنین ضرر و زیانی، قانونگذار به یک مقابله پیشینی روی آورده است و از ابتدای حرکت در این مسیر - که ساختن سند مجعول و مزور است - آن را مجرمانه و قابل مجازات اعلام کرده است.

به طور کلی، از منظر حقوق جزا، مبنای وضع هر مقررۀ جزایی، حمایت از حقوق، مصالح و منافع انسانی و اجتماعی است. قانونگذار زمانی به جرم انگاری رفتارهای انسانی روی می‌آورد که این رفتارها به صورت غیر قابل تحملی باعث ورود ضرر و زیان مادی و یا معنوی به حقوق و مصالح جمعی و یا فردی گردد. زندگی و روابط اجتماعی در یک سیر طبیعی و قراردادی، توأم با سود و زیان است. زیانی که در زندگی اجتماعی ممکن است به افراد وارد آید، دو صورت گوناگون دارد، یا زیانی است که در عرف قابل تحمل و پذیرفتنی است و یا این گونه نیست؛ بلکه سنگین و غیر قابل تحمل است. در این قبیل موارد، از لحاظ حقوقی، پذیرش زیان و یا تحمیل زیان به

اشخاص توجیه ناشدنی است. به منظور جلوگیری از ورود چنین زیانی و یا جبران آن، قانونگذار راهکارهایی را پیش بینی کرده است. از جمله این راهکارها، مقابله کیفری با رفتارهایی است که موجب ورود ضرر و زیان غیر قابل تحمل به اشخاص می شود. به عبارت دیگر، مقابله کیفری با لحاظ ضرر و زیانی که از رفتار فرد ناشی می شود، صورت می پذیرد. بدیهی است منظور از مقابله کیفری، جرم انگاری رفتارها و تعقیب جزایی کسانی است که مرتکب چنین رفتارهایی می شوند. جرم انگاری رفتارها در بیشتر موارد با لحاظ ضرر و زیانی است که به صورت بالفعل از رفتار مرتکب ناشی می شود. در عین حال، در پاره ای از موارد، قانونگذار فعلیت یافتن زیان برای تحقق جرم را لازم نمی داند؛ بلکه قابلیت اضرار را برای این منظور کافی می داند. همان طور که اشاره شد، جعل و تزویر از این قبیل جرایم است؛ یعنی این که برای تحقق جعل و تزویر و حتی استفاده از سند مجعول قابلیت اضرار کافی است. جعل و تزویر و حتی استفاده از سند مجعول در بیشتر موارد به ضرر و زیان منتهی نمی شود و از این حیث تماماً باقی می ماند. بدون تردید، قانونگذار با لحاظ همین ضرر و زیان احتمالی، چنین رفتارهایی را مجرمانه اعلام کرده است. بنابراین، منظور از قابلیت اضرار یا متضمن ضرر بودن سند و نوشته مجعول، این است که ساختن چنین سندی، در صورت استفاده و به حسب مورد بتواند منشأ ضرر و زیان قرار گیرد؛ یعنی به صورت بالقوه ضرر و زیانی را برای یک شخص در پی داشته باشد. بدیهی است در صورتی که عمل مرتکب به صورت بالفعل موجب ورود ضرر و زیان به دیگری شود، به طریق اولی جعل و تزویر است.

ضرر و زیان بالقوه و یا بالفعل در جعل و تزویر و همین طور در استفاده از سند مجعول، اعم از ضرر و زیان مادی، معنوی، خصوصی (فردی) و عمومی (اجتماعی) است. منظور از ضرر و زیان مادی، کسری و نقصانی است که به اموال و داراییهای یک شخص اعم از شخص حقیقی و یا حقوقی وارد می شود. ضرر و زیان معنوی، لطمه و آسیبی است که به جنبه های معنوی حیات اشخاص، از قبیل اعتبار، آبرو و حیثیت، وارد می شود. شخص زیان دیده به حسب مورد ممکن است اشخاص حقیقی و یا حقوقی، اعم از اشخاص حقوقی حقوق عمومی و یا اشخاص حقوقی خصوصی باشند. اگر استفاده از سند مجعول، به ورود زیان به اشخاص حقیقی و یا اشخاص حقوقی خصوصی منجر شود، ضرر و زیان فردی (خصوصی) محسوب می شود، و در صورتی که ارتکاب جعل و تزویر و یا استفاده از سند مجعول باعث ورود زیان به جامعه و یا اشخاص حقوقی عمومی شود، ضرر و زیان اجتماعی (عمومی) خوانده می شود.

بند دوم: بر خلاف واقعیت بودن

از لحاظ سابقه قانونگذاری در کشور ما قید «بر خلاف حقیقت» هم در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و هم در ماده ۲۰ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ آمده بود؛ منتهی در ماده ۵۲۳ ق.م.ا ۱۰ این قید حذف گردیده است. از سوی دیگر، بیشتر حقوقدانان در تعریف جعل و تزویر، تغییر و تحریف حقیقت در سند و یا نوشته را مورد توجه قرار داده اند. براین اساس، همواره این بحث در بین حقوقدانان مطرح بوده است که اگر کسی سندی بسازد که مفاد و محتوای آن برخلاف حقیقت نباشد، آیا عمل مرتکب را می توان جعل و تزویر به شمار آورد. برای مثال، اگر کسی بابت بدهی خود به دیگری، چکی به مبلغ ده میلیون ریال صادر کند و در اختیار او قرار دهد؛ حال به فرض آن که بدهی این شخص صد میلیون ریال باشد و دارنده اقدام به تغییر رقم چک از ده میلیون ریال به صد میلیون ریال کند، آیا عملش جعل و تزویر است؟ یا در فرضی که کسی مبلغی را از دیگری طلبکار است، ولی رسید و مدرکی از او ندارد و یا رسید و مدرک خود را مفقود کرده است؛ آیا اگر این شخص اقدام به ساختن رسیدی به خط و امضای بدهکار نماید، عملش را می توان جعل و تزویر محسوب کرد؟

در پاسخ به این سؤال، حقوقدانان دیدگاههای مختلفی را مطرح کرده اند. بعضی از نویسندگان به تفکیک حقیقت اولیه و ثانویه روی آورده و بر این باورند که در چنین مواردی باید بین حقیقت اولیه که وجود یا عدم یک رابطه یا موقعیت حقوقی است و حقیقت ثانویه که وسیله اثبات این رابطه یا موقعیت حقوقی است، تمایز قایل شد. در چنین مواردی، سند با حقیقت اولیه که همان رابطه یا موقعیت حقوقی است، انطباق دارد، ولی با حقیقت ثانویه که فقدان مدرک و وسیله اثبات حق و رابطه حقوقی است، مغایرت دارد. به عبارت دیگر، در این قبیل موارد از جهت ثبوتی، موضوع از واقعیت برخوردار است، ولی از جهت اثباتی واقعیت ندارد. بنابراین، در چنین مواردی، اقدام مرتکب به نوبه خود نوعی تحریف واقعیت و حقیقت است و آن حقیقت، این است که مدرک و سندی وجود نداشته و مرتکب آن را ساخته است. قانونگذار به طور مطلق ساختن سند و نوشته را جعل و تزویر به حساب آورده است؛ چه آن که در ورای این اقدام حقیقت و واقعیتی وجود داشته باشد و چه آن که وجود نداشته باشد (مصلاهی، ۱۳۸۲، ۳۶)،

گروهی دیگر بر این باورند که بر خلاف حقیقت بودن، موثر در تحقق جعل و تزویر نیست و حذف قید «بر خلاف حقیقت» در ماده ۵۲۳ ق.م.ا ۱۰ را در همین راستا می دانند. در چنین مواردی علی رغم این که اقدام مرتکب با واقعیت انطباق دارد، جعل و تزویر است؛ مگر این که بتوانیم در

رکن نتیجه؛ یعنی امکان ورود ضرر خدشه وارد کنیم که جعل محسوب نکردن اقدام مرتکب در این قبیل موارد، به دلیل عدم تحریف حقیقت نیست؛ چرا که در هیچ یک از موارد یاد شده، نوشته های مذکور دروغی را راجع به خود و تنظیم کننده خود نمی گوید، بلکه صرفا اطلاعات دروغی را ارائه می دهد و دروغ صرف اعم از شفاهی یا کتبی جعل محسوب نمی شود (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰، ۲۴۶)،

این نویسنده در جای دیگر در جهت توضیح مطالب یاد شده، به این نکته اشاره می کند که مهم ترین شرط قابل ذکر در مورد جعل - اعم از مادی یا مفادی - این است که موضوع جعل (سند نوشته و غیره) باید ماهیتا ساختگی و تقلبی باشد و صرف این که حاوی اطلاعات دروغ است، کفایت نمی کند. فرد می تواند سند یا نوشته ای را که خود تنظیم می کند، به دروغ تنظیم نماید، یا بعد از تنظیم از روی تقلب آن را تغییر دهد، اما این ارایه اطلاعات کذب - هر چند به صورت کتبی - جعل محسوب نمی شود، بلکه تقلب باید در اصل و ماهیت سند باشد و آن گونه که در حقوق انگلستان بیان می شود، سند باید دروغی را راجع به خود بگوید (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰، ۲۹۱)، این گفته از ابهام برخوردار است، چرا که اساس جعل و تزویر را کذب تشکیل می دهد و از این حیث با هر کذب دیگری تفاوت ندارد؛ تفاوت این قسم از کذب با سایر اقسام کذب در این است که اولاً در جعل و تزویر، کذب در سند و نوشته منعکس گردیده است و ثانیاً کذب مزبور به دیگری استناد داده شده است. به عبارت دیگر، سند و نوشته ای که دارای مفاد و محتوای کذبی است و منتسب به دیگری ساخته شده است، رفتار مجرمانه جعل و تزویر را تشکیل می دهد.

عده ای دیگر بر این باورند که اگر مدلول ورقه معجول در عین ساختگی موافق با واقع باشد، عمل جعل نیست، زیرا جاعل در این مورد برای احقاق حق خود متوسل به ساختن ورقه شده است (ساریخانی، ۱۳۸۴، ۳۱۷)، این وجه از استدلال مربوط به رکن معنوی جعل و تزویر است و جدای از رکن مادی باید آن را مورد توجه قرار داد. در این جا بحث در مورد این است که ساختن سندی که مفاد و محتوای آن با واقعیت انطباق دارد، از حیث مادی جعل و تزویر است یا نه؟

بعضی دیگر از این منظر به مسأله نگریسته اند که جوهر و اساس جعل و تزویر در کذب بودن آن است و کذب بودن سند و نوشته، به این معناست که مفاد و محتوای آن بر خلاف حقیقت باشد. بنابراین، مادامی که سند و نوشته پیام کذبی را در بر ندارد، جعل و تزویری نیز قابل تصور نیست (الزغبی، ۱۹۹۵، ۳۵/۱۳، سلیمان پور، ۱۳۴۱، ۲۳)، از این منظر، اقدام مرتکب از حیث مادی به طور مطلق جعل و تزویر نیست. به عبارت دیگر، در چنین مواردی کذب و دروغی در کار نیست و

هرگاه کذبی در کار نباشد، به مثابه این است که یک نفر ادعای صادقانه ای را مطرح می کند، ولی قادر به اثبات آن نیست. اگر کسی قادر به اثبات ادعای خود نباشد؛ یعنی دلیل کافی برای این منظور در اختیار نداشته باشد و یا ادله او در جهت اثبات ادعایش نارسا باشد، منجر به تکذیب او نخواهد شد، بلکه در این قبیل موارد گفته می شود که شخص قادر به اثبات ادعای خویش نیست. برای ارایه پاسخ مناسب باید از منظری دیگر به موضوع نگریست و به «نقش اسناد در روابط حقوقی» توجه کرد؛ به این ترتیب که اسناد و نوشته‌جات در روابط حقوقی نقشی اثباتی بر عهده دارند و اشخاص در بیشتر موارد از آنها به عنوان دلیل استفاده می کنند. سند و نوشته زمانی می تواند این نقش را ایفا کند که در معرض تحریف و تغییر قرار نگیرد. هرگاه کسی سندی را بسازد یا مخدوش کند، چیزی را فراهم کرده است که فاقد ارزش و اعتبار است. به عبارت دیگر، با توجه به کاربرد عمومی اسناد در اثبات روابط و موقعیتهای حقوقی، قانونگذار برای آنها ارزش و اعتباری بالذات و مستقل از وقایع ماورای آنها قایل شده است و در نظر قانونگذار خود اسناد به تنهایی دارای ارزش و اعتبار است و تعرض به آنها، تعرض به یکی از ارزشها و مصالح اجتماعی تلقی می شود. سند در دنیای امروز به عنوان یک ارزش و پدیده اجتماعی در نظر گرفته می شود و در بسیاری از موارد کاربرد آنها به تنهایی برای ایجاد آثار و موقعیتهای حقوقی کارایی دارد. از این رو، ساختن و جعل سند، اعم از این که بر خلاف حقیقت باشد و یا منطبق باحقیقت باشد، در اسناد عادی باشد و یا در اسناد رسمی، جرم و قابل مجازات است. بدیهی است مجازات جعل و تزویر در صورتی که منطبق با واقعیت باشد، باید کمتر از مواردی باشد که بر خلاف واقعیت است و ضرورت دارد که در قانونگذاری این امر مورد توجه قرار گیرد.^۱

۱. شرط و وصف یادشده را می توان در پیوند با شرط و یا رکن « ضرر » نیز مورد توجه قرار داد؛ به این ترتیب که اگر اقدام مرتکب، ضرر و زیانی را در پی داشته باشد و یا بتواند منشا ضرر و زیان قرار گیرد، جعل و تزویر خواهد بود و در صورتی که فاقد چنین اثری باشد، جعل و تزویر دانستن آن با مبنای جرم انگاری جعل و تزویر مغایرت دارد. بر همین اساس، باید بین اسناد عادی و رسمی تفکیک قایل شد؛ چرا که در اسناد رسمی به صرف ساختن و یا مخدوش ساختن سند ضرر و زیان محقق خواهد شد و حتی اگر منطبق با واقع باشد، عمل مرتکب، جعل و تزویر است. تنظیم سند رسمی در جهت برقراری و حفظ نظم عمومی صورت می پذیرد و بر این اساس کسی که سند رسمی را مخدوش کند یا بسازد، باعث ایجاد اختلال در نظم عمومی شده است. همین اختلال، نوعی ضرر و زیان معنوی است که در نتیجه رفتار مرتکب به جامعه وارد شده است. بدون تردید اگر چنین شیوه ای توسط افراد در جامعه در پیش گرفته شود، باعث سلب اعتماد و اطمینان اشخاص به این قبیل اسناد می شود. حال آن که فلسفه وجودی تنظیم اسناد رسمی، ایجاد و بسط اعتماد و اطمینان اشخاص به این دسته از اسناد است.

نتیجه گیری

در این مقاله، مفهوم، مصادیق و شرایط رفتار مجرمانه جعل و تزویر بررسی قرار گردید. رفتار مجرمانه جعل و تزویر در همه موارد، یک رفتار یدی و دستی است که ممکن است با استفاده از ابزارهای ساده‌ای، همچون، قلم، خودکار، خودنویس و همانند اینها و یا ابزارهای پیچیده‌ای، همچون، ماشین تحریر، کامپیوتر و سایر دستگاههای ماشینی صورت پذیرد. به دیگر سخن، رفتار مجرمانه جعل و تزویر در همه موارد، نگارش و تحریر نوشته، سند و اشیای مشابه با آنهاست و به همین جهت، در بیشتر موارد به صورت فعل و رفتار مثبت بروز و ظهور پیدا می کند و تنها در جعل و تزویر معنوی امکان ارتکاب رفتار با ترک فعل وجود دارد؛ به این ترتیب که تنظیم کننده سند به عمد از نوشتن پاره ای از مطالب مورد نظر منتسب الیه خودداری کند. به اعتبار رفتار مجرمانه، جعل و تزویر به جعل و تزویر مادی و معنوی قابل تقسیم است و جعل و تزویر مادی نیز به دو قسم، یکی کلی و اولی و دیگری جزئی و ثانوی تقسیم می شود. رفتار مجرمانه جعل و تزویر مادی به نحو کلی و اولی، ساختن نوشته، سند و اشیای مشابه با آنهاست و در جعل و تزویر مادی به نحو جزئی و ثانوی، کاستن جزئی از اجزای موثر سند و یا افزودن جزئی به اجزای موثر سند است. رفتار مجرمانه جعل و تزویر معنوی، تغییر مضمون و محتوای سند به هنگام تنظیم آن است؛ به این ترتیب که تنظیم کننده سند، تمام و یا جزئی از مطالبی را که منتسب الیه اعلام می کند، نادیده می گیرد و مطالب دیگری را به جای آن در سند درج می کند و یا از درج مطالب مورد نظر خودداری می کند.

با توجه به مبنای جرم انگاری جعل و تزویر، رفتار مجرمانه آن باید قابلیت اضرار به دیگری را داشته باشد؛ یعنی این که در صورت استفاده از سند مجعول، به ورود ضرر و زیان به دیگری منجر شود. بنابراین، اگر رفتار مرتکب به گونه‌ای باشد که امکان زیان در آن منتفی باشد، عمل مرتکب را نمی توان جعل و تزویر به حساب آورد. در مورد این که رفتار باید بر خلاف حقیقت باشد یا نه، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. نظر راجح این است که این وصف، شرط رفتار مجرمانه

از نظر حقوقی، اسناد رسمی فی نفسه و به خودی خود اصالت و اعتبار دارد و در صورتی که مورد تحریف و تغییر قرار گیرد، تزلزل در روابط حقوقی را با عث می شود. ولی اسناد عادی این گونه نیست؛ اسناد عادی به تنهایی دارای ارزش و اعتبار نیست. بلکه در صورت تایید منتسب الیه و یا با رسیدگی قضایی اعتبار پیدا می کند. به همین خاطر، اسناد عادی به خودی خود نمی تواند منشا ضرر واقع شود. به همین اعتبار اگر کسی یک سند عادی که منطبق با واقع است را بسازد یا مخدوش کند، به ویژه آن که بتواند به وسیله ادله دیگر واقعیت را اثبات نماید، اقدامش به هیچ وجه موجب ضرر به دیگری (منتسب الیه) نمی شود و نباید عمل را جرم شناخت.

برای جرم مزبور نیست؛ منتها ضرورت دارد که قانونگذار بین موردی که رفتار بر خلاف حقیقت است و جایی که رفتار منطبق با حقیقت است، تمایز گذارد و برای صورت اخیر مجازات خفیف تری را پیش بینی کند.

فهرست منابع

- فارسی

- آقایی نیا، حسین، (۱۳۸۶)، حقوق کیفری اختصاصی - جرایم علیه اشخاص (جنایات)، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چ سوم.
- بهنام، رمسیس، (۱۹۸۹)، الجرائم المضرة بالمصلحة العمومية، اسکندریه، منشأة المعارف، [بی جا].
- جندی - عبدالملک، (بی تا)، الموسوعة الجنائية، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی جا].
- الزغبی - فرید، (۱۹۹۵)، الموسوعة الجزائية، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
- زکی ابوعامر، محمد، (۱۹۹۲)، قانون العقوبات (القسم الخاص)، بیروت، الدار الجامعیه، چاپ دوم.
- سالاری، مهدی، (۱۳۸۶)، جعل و تزویر، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ساریخانی، عادل، (۱۳۸۳)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، قم، دانشگاه قم.
- سلیمان پور، محمد، (۱۳۴۱)، جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی، تهران، گنج دانش، چاپ سوم.
- صادقی، محمد هادی، (۱۳۸۵)، حقوق جزای اختصاصی - جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ ششم.
- صبحی العطار، احمد، (بی تا)، جرائم الاعتداء علی المصلحة العامة، قاهره، هیئته المصریة العامة للكتاب، [بی جا].
- القهوجی، عبدالقادر، (۲۰۰۲)، قانون العقوبات (القسم الخاص)، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه.
- محمد سلامه، مأمون، (۱۹۸۸)، قانون العقوبات (القسم الخاص)، قاهره، دارالفکر العربی.
- محمود مصطفی، محمود، (۱۹۸۴)، شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)، قاهره، مطبعه جامعه القاهره، چاپ هشتم.

- مصلائی، علی رضا، (۱۳۸۲)، *جعل و تزویر در حقوق کیفری ایران*، تهران، خط سوم، [بی چا].
- میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۰)، *حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)*، تهران، نشر میزان.
- نجیب حسنی، محمود، (۱۹۹۲)، *شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)*، قاهره، دارالنهضة العربیه.

Archive of SID